

در دورهٔ پسا جنگ
سرد و به ویژه در
دهه های اخیر،
کنشگران بین المللی
متنوع و متعدد
شده اند. بازیگران
دیگر دوتا نیستند،
ده ها بازیگر و
کنشگر داریم. خب
آیا این ده ها بازیگر
و کنشگر، همه
تأثیرگذارند؟ بله!
هرکدام به اندازهٔ
وزنشان تأثیرگذارند.

اینکه حزب الله لبنان در داخل لبنان کنشگری کند و بتواند مکمل یا تمام کننده باشد. امروز رژیم صهیونیستی، که برای توسعهٔ اشغالگری اش آرزوی از نیل تا فرات را در سر داشت، خود را پشت دیوارهای بتنی چندمتری محبوس کرده است؛ در زندان بزرگی به نام فلسطین اشغالی. اما چه کسی این وضعیت را ایجاد کرده است؟ حماس و جهاد اسلامی. در بعد منفی هم، به عنوان نمونه، داعش، یک کنشگر است. داعش توانست هفتاد درصد زیرساخت های عراق و سوریه را ویران کند؛ صرف نظر از اینکه داعش چگونه در دل سیاست های آمریکا رشد کرد و چگونه به ابزاری برای تجزیهٔ کشورهای اسلامی در منطقه تبدیل شد. داعش به دلیل وجود قهرمانان بزرگی چون سردار سپهد شهید سلیمانی شکست خورد. لابی صهیونیست ها در غرب و جریان هایی در دولت آمریکا در کاخ سفید، حامی داعش بودند. به خاطر دارم زمانی که معاون وزارت امور خارجه بودم، اوج فعالیت های داعش در منطقه بود. وقتی که داعش بیش از شصت درصد عراق را اشغال کرد، بیانیه ای داد و گفت ما وارد بغداد شدیم تا اهل سنت عراق را از دست شیعیانی که قدرت را در اختیار دارند نجات دهیم. همان زمان من در یک مصاحبهٔ تلویزیونی گفتم اگر داعش و فرماندهان پرمدهایش واقعاً نگران وضعیت اهل سنت اند، لطفاً بروند از اهل سنت فلسطین حمایت کنند که حششان را رژیم صهیونیستی پایمال کرده است. بلافاصله یکی از فرماندهانشان بیانیه ای را در سایتشان منتشر کرد و گفت ما هیچ راهبردی برای مقابله با اسرائیل نداریم! پس حتی داعش یک کنشگر است، کنشگری که می تواند هفتاد درصد زیرساخت های دو کشور مهم در غرب آسیا را به چالش بکشد. پس در این دوران چه اتفاقی افتاده است؟ آشکار است که کنشگران و بازیگران متنوع و متکثر شده اند.

این تکثر همچنان در یک فضای قطبی اتفاق افتاده یا فضا غیرقطبی شده است؟

این تکثر در یک محیط چندوجهی ایجاد شده است؛ در نظامی که در حال رفتن به سمت چندجانبه گرایی و فاصله گرفتن از نظام تک قطبی است. در دوران جنگ سرد محیط کنش پایدار بود؛ یک پایداری نسبی. اما امروز محیط کنش در بعد سیاسی خود ناپایدار است. به تعبیر ساده تر، یک محیط ژله ای است، محیطی که هنوز سفت و سخت نیست. وضعیت محیط بین الملل هنوز به گونه ای نیست که بشود روی زمین سفت پا گذاشت. البته برخی استراتژیست های غربی معتقدند که این وضعیت ژله ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده است و هنوز نیز ادامه دارد؛ به گونه ای که محیط بین المللی و محیط منطقه ای نتوانسته است یک نظم پایدار به دست بیاورد. پیش تر، آمریکایی ها نظام امنیت منطقه ای را مبتنی بر ژاندارمی شاه در منطقه یا در برهه ای، مبتنی بر نظام دو ستونی بین ایران و عربستان، دنبال می کردند.